نسیم اله آباد

خبرنامه داخلی انجمن زرتشتیان اله آباد

پنج شنبه ۱۴ شهریور ۱۳۹۲، شماره سوم

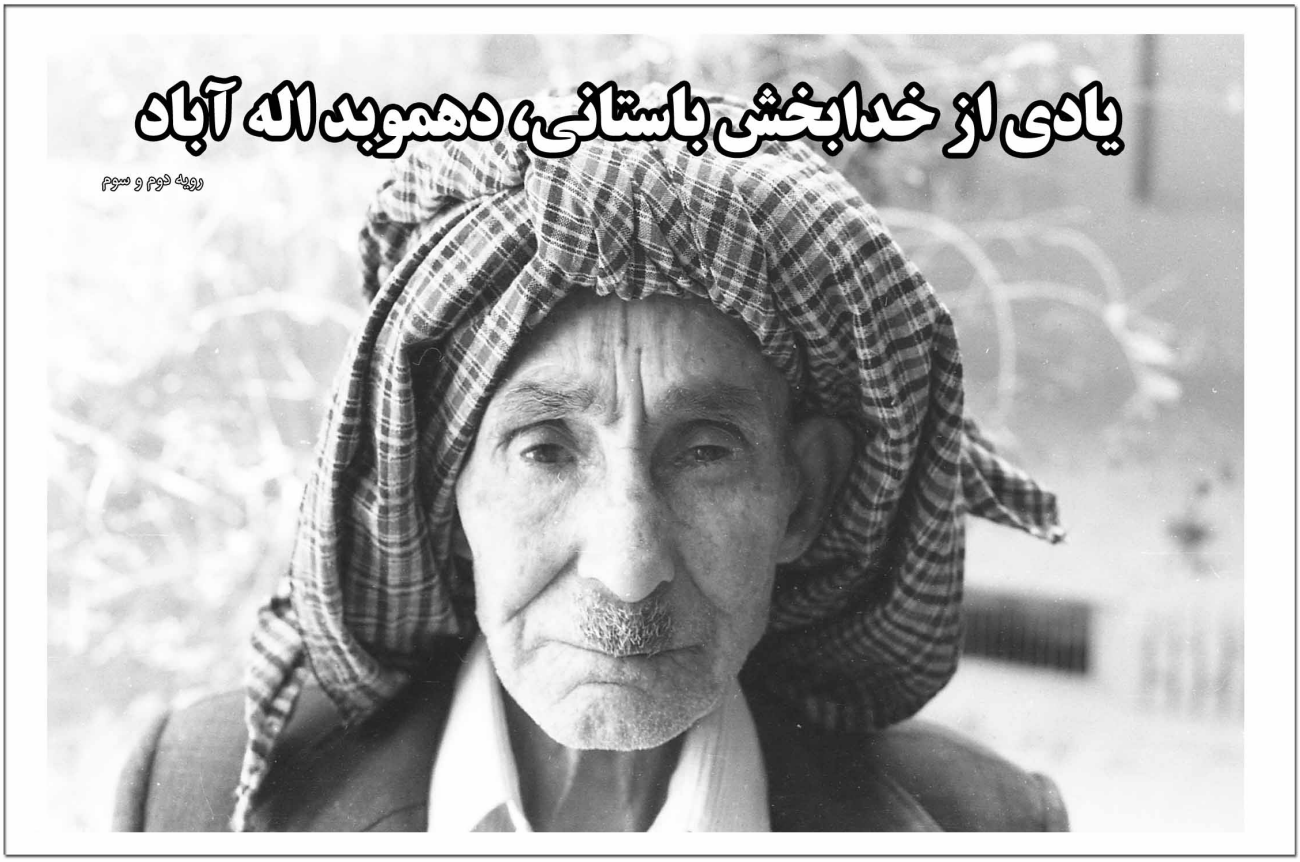
ویژه نامه بیستمین همایش همازوربیم اله آبادیها

چرا به حضور در همایش اله آباد ادامه می دهیم

رویه ۴

اخبار اله آباد

رویه ۴



یادی از خدابخش باستانی، دهموبد اله آباد

رویه دوم و سوم

سخن نخست:

شاهرخ باستانی

یکروز گرم تابستان برای رفع دلتنگی و خستگی هایم به جایی رفتم که شاید برای خیلی ها گرمای آن قابل تحمل نبود ولی برای من که در آنجا زاده شده ام و بهترین دوران عمرم را در آنجا شاید بسختی گذراندم هنوز با صفاترین جای دنیا خواهد بود وآنجا جز وطن من ،جان من ، روح من اله آباد عزیز نبوده ونخواهد بود و هیچوقت از یاد نخواهم برد تا جان در بدن دارم اما همانروز وقتی وارد کوچه شدم و نگاهم به آن کوچه که شروع آن حمام وآنتهای آن خانه اردشیر مهر برزو باشد افتاد دیدم پرنده ای پر نمی زند آفتاب داغ ظهر تابستان کل کوچه را فراگرفته و هیچ اثری از آدم نیست مثل اینکه این محل با بمبی انسانهای آن بدون خراب شدن ساختمانها ازبین برده است.

یک لحظه چشمهایم را بستم اشک از گو شه چشمانم جاری شد خدای من این اله آباد است کجایند هم محله هایی من چرا موطن من به این روز افتاده است سعی کردم ماشینم را کنار دیوار حمام پارک کنم و از ماشین پیاده شوم و تمرکز کنم تا بیاد بیاورم گذشته روستایم را با جمعیتی بالای ششصد نفر که اکنون به کمتر از شش نفر رسیده است.

بیادم آمد روزی که برای درو تنهایی به عصر آباد رفته بودم پس از درو کردن ظهر برای استراحت زیر ساباط نزدیک درمهر رفتم دیدم پیرمردی کوتاه قد با رنگ رخساری آفتاب سوخته که معلوم بود رنج زیادی کشیده درزیر ساباط دراز کشیده و به آینده این روستا که دیگر کسی جز او و چند نفری که از اله آباد یا جای دیگری برای گشاورزی می آیند در روستایش نمانده وقتی در کنار او نشستم از مشکلات و تنهایی و ازگذشته روستایش که محل تولید روناس و زردک ،گندم و جو ...بوده صحبت کرد. و از آینده روستایش که خالی از سکنه شده و همه مهاجرت کردند نگران بود او گسی نبود جز اردشیر رستمی عصرآبادی. تنها کسی که با سن بالایش در روستا در مقابل طوفانهای باز بیادم آمدکه با موتور با دوستان به جعفرآباد می رفتیم تا سر به یکی دو نفری بزنیم که آخرین کسانی بودند که در مقابل شن روان و طوفان مقاومت می کردند تا یاری برسد و زادگاهشان نجات پیدا کند، اینها عزیزانی چون اردشیر و مروارید، فیروزه ، وهبید و شهریار(شهگل) بودند که هر روز با وزش بادی شاید ملایم هم خانه هایشان پر از شن می شد ولی تا آخرین لحظات سختیها را تحمل کردند ولی بعلت مهاجرت آنها نیز بالاخره وطن خودرا ترک کردند و جعفر آباد نیز سرنوشت چون عصر آباد پیدا کرد.

با این افکار در گیر بودم که خدای نکرده زادگاه منهم همین سرنوشت شوم در انتظارش باشد و پس از تمرکز مجدد به منزل پدریم رفتم آبی نوشیدم و خاطرات خانه بخانه آنچه بیادم بود مرور کردم امید دارم بتوانم کم کم این خاطراتی که در ذهنم مانده برای شما بنویسم و بتوانم از این راه دینم را نسبت بزادگاهم ادا نمایم.

یادی از خدابخش باستانی

دموز)دهمبود)، عنوانی است که پس از خدابخش باستانی به کس دیگری در اله آباد داده نشده است. خدابخش مهربان باستانی، پس از درگذشت پدرش حدود ۵۰ سال در اله آباد نگاهبانی آتش و درمهر اله آباد را بر عهده داشت. شاید بیش از هر کس دیگری از زمانی که آتش اله آباد فروزان شده است، نگاهبانی برجم تمدن و فرهنگ زرتشتی را در این روستا زنده نگاه داشته است. خدابخش باستانی، بنا بر تاریخ شناسنامه‌اش ۴ سنبله ۱۲۸۶ خورشیدی به دنیا آمد. پدرش اردشیر بود که پس از مرگ برادرش، مهربان، خدابخش پل گذار عمومی خود شد و نام وی را زنده نگاه داشت.

پس از مرگ پدر که دهمبود اله آباد بود، ساکنین اله آباد دهمبودی و نگاهبانی از آتش را بر عهده وی گذاشتند. وظیفه ای که تا زمان درگذشتش در سال ۷۴ بر عهده داشت و حتی پس از درگذشت نیز همسرش حداقل تا سال ۷۹ بر عهده داشت. وظیفه ای که درآمدی برای وی نداشت و زندگی خود را به مانند بیشتر ساکنان اله آباد از کشاورزی می‌گذراند. علاوه بر این تا زمانی که قنات اله آباد جاری بود، میرابی چند نفر از اهالی را برعهده داشت. این وظیفه را در روزهای سرد زمستان نیز انجام می‌داد. روزهایی که گاه انقذر سرد و زمین برفی بود که ترجیح می‌داد در آب روان جو راه برود تا سرمای کمتری نسبت به برف‌ها احساس کند.

وی با درخواست اهالی برآیشان اوستا نیز می‌خواند. وی تا حدی به جایگاه درمهر اعتقاد داشت که پیش از رفتن به در مهر و دادن خوراک لباس‌های خود را عوض می‌کرد، پولی که اهالی به هر عنوانی به درمهر می‌دادند برای خود درمهر هزینه می‌کرد. تا زمانی که وی و همسرش نگاهداری درمهر را بر عهده داشتند، درمهر صندوق نداشت و اهالی که می‌خواستند کمکی به درمهر کنند پول را تحویل خانواده وی می‌دادند که در یک کنزی این پول‌ها نگاه داشته می‌شد و از این پول‌ها خوراک آتش، روغن و دیگر وسایل مورد نیاز درمهر تأمین می‌شد. سرنوشت پول‌هایی که از شایائن نیز در روستا جمع می‌شد، نیز مشابه این‌گونه پول‌ها بود. حقوقی نیز از سوی انجمن اله آباد برای وی تعیین شده بود. ولی این حقوق مبلغی نبود تازه آن نیز خرج درمهر می‌شد. سال ۶۳ که نزدیک به ۸۰ سال این حقوق پرداخت نشده بود با پیگیری‌های استاد خدابخش یزدانی، که به تهران آمده بود، از درآمد حاصل از خانه مزدا که برای خرج‌های انجمن اله آباد به انجمن تهران داده شده بود، مبلغی گرفته شد. از این مبلغ حدود ۷۲۰۰ تومان به عنوان حقوق حدود ۸ سال به وی پرداخت شد.

دهمبود اله آباد، خود به شخصه سفارش خوراک آتش را می داد و برای تهیه روغن مورد نیاز چراغ درمهر، پای پیاده به کوچه بیوک می‌رفت تا روغن مورد نیاز را از آنجا تهیه کند و به درمهر بیاورد. وی به مانند بیشتر نگاهبانان آتش هر نوع روغنی را به عنوان خوراک آتش درمهر استفاده نمی‌کرد و روغن خاص به این منظور تهیه می‌کرد. وی حتی از اهالی که خواهان روشن کردن شمع بودند، می خواست تا این شمع‌ها در محیط اصلی آتشکده روشن نکنند تا سبب آلودگی محیط آنجا نباشد.

خدابخش باستانی در مدتی که نگاهبانی آتش را بر عهده داشت، به نوعی اسیر اله آباد بود. وی در مدت ۵۰ سالی که نگاهبانی آتش را بر عهده داشت، شاید حدود ۵ تا ۶ باری که برای دیدن فرزندانش به مسافرت رفته بود و این مسئولیت را به طور موقت به افراد دیگر چون استاد خدابخش یزدانی یا جمشید بهرام هرمزدیار، می‌سپرد. در این مدت حتی نتوانست به جشن ازدواج دخترش به تهران برود.

دهمبودی روستا علاوه بر وظایف معمول، سبب می‌شد تا اهالی دیگر کارهای خود را نیز به وی بسپارند. وی در آیین های ازدواج اهالی نقش پر رنگی داشت. چرا که خانواده پسر، اولین فردی را که برای صحبت راهی خانه دختر می کردند، دهمبود اله آباد بود. آیین گواه گیری را نیز وی انجام می‌داد و با چرخاندن عروس و داماد به دور آتش، آن‌ها را راهی خانه بخت می‌کرد. سدره پوشی ساکنان روستا را نیز بر عهده وی بود و بسیاری از ساکنین اله آباد برای نخستین بار با همراهی دستان وی کشتی بستند.

هنگامی که فردی در می‌گذشت نیز خانواده درگذشته از دهمبود خواستار نیرنگ، می‌شدند. پس از درگذشت نیز وی افرادی را از اله آباد و گاه از روستاهای اطراف می‌یافت که برون درگذشته را به سوی دخمه ببرند در این راه نیز وی با حمل آفرینگان آتش برون درگذشته و حاملانش را همراهی می‌کرد.

وی در جمع آوری نذرهای مردم برای پیرانگاه ها نیز همکاری می‌کرد. خادمان پیرانگاه ها، با نزدیک شدن زمان زیارت با حمل آویشن به روستاهای مختلف می‌رفتند و با رفتن به خانه دهمبود روستا، مقداری از این آویشن را تحویل وی می‌دادند. خدابخش باستانی نیز با رفتن به تک تک خانه های اله آباد، با تحویل مقداری آویشن، در صورت تمایل صاحب خانه، نذرهای آن‌ها را که گاه پول بود و گاه گندم و دیگر چیزها، جمع آوری می‌کرد. با آمدن دوباره خادمان زیارتگاه‌ها، نذرهای مردم به زیارتگاه‌ها را تحویل آنان می‌داد.

خدابخش باستانی از نخستین افرادی بود که در روستای اله آباد، با توجه به دانشش تقویم جدید را پذیرفته بود و به آن اعتقاد داشت و روزهای نیر و مانند آن را از آن نگاه می داشت. علاوه بر این اعتقاد سختی بر نخوردن گوشت در روز خیر ایزد داشت که به یاد اشوزرتشت و روز درگذشت وی، آن را حفظ می‌کرد.

آنان که دهمبود را به یاد دارند، لرزش دستانش و خمیدگی پشتش را نیز به یاد دارند. لرزشی که با آتش گرفتن اتاق آتش درمهر اله آباد، شروع شد. اتاق آتش درمهر اله آباد، با محوطه اصلی تالار درمهر جدا بود و با در کوچکی به آن راه داشت. تنها فردی هم که اجازه داخل شدن به آن را داشت، دهمبود بود. در این اتاق علاوه بر جایگاه آتش، چوب‌ها و روغن‌ها نیز نگاهداری می‌شود. سال ۵۷ یا ۵۸ بود که دهمبود به مانند روزهای دیگر برای دادن خوراک آتش به این جایگاه رفت. آنگونه که بعدها خود نقل می‌کرد گویا، خرده آتشی بر زمین می‌افتد. وی نیز که در حال اوستاخوانی در سمت مخالف در بوده است، متوجه این آتش نمی‌شود تا آنکه آتش به چوب ها و روغن‌ها می‌گیرد و شعله‌ور می‌شود. خدابخش نیز در آغاز می‌خواهد تا این آتش را خاموش کند ولی با شعله ور شدن بیشتر آتش، به سختی خود، از اتاق آتش خارج می‌شود. در اثر ترس حاصل زبانش بند می‌آید و با حضور در کوچه و با اشاره رهگذران را متوجه می‌کند. گل بهمرد و جمشید بهرام هرمزدیار هم که متوجه اشاره های وی و دود آتش می‌شوند با کمک سایر اهالی آتش را خاموش می‌کنند. خدابخش مهربان باستانی بر اثر این اتفاق تا چندین روز قادر به صحبت کردن نبود و دستانش نیز تا آخر عمر به لرزش افتاده بود.

دهمبود اله آباد، سال ۷۴ خورشیدی در یک روز سرد و برفی زمستانی، درگذشت. بسیاری از ساکنین اله آباد آن سال و برفی که باریده بود را به یاد دارند و می‌گویند جزو سنگین‌ترین برف هایی بود که دیده بودند.

فرزندان خدابخش وی و همسرش را فردی سخت‌کوش توصیف می‌کنند. پسرش می‌گوید به یاد می‌آورم که با چه سختی ۲۰ تا ۳۰ کیلو گندم را بر پشتش می‌برد تا آرد کند. بیشتر جوانان آن موقع اله آباد، دهمبود را آدمی خوش رو و خنده رو به یاد می‌آورند که با آن که گاهی خشمگین می‌شد ولی عصبانیتش سریع فروکش می‌کرد. پسرش بیان می‌کند هم مادر و هم پدر کاری به کار کسی نداشتند. زمانی خانه ما به پاتوق جوانان تبدیل شده بود و بیشتر جوانان روستا تا ۱۰، ۱۵ نفر به خانه ما می‌آمدند و تا نیمه های شب به بازی و صحبت و خنده مشغول بودیم، در حالی که پدر و مادر در گوشه دیگر اتاق خوابیده بودند و آنان با عصبانیت با این رفت و آمدها برخورد نمی‌کردند.

دولت گشتاسب جاماسبی از ۱۱ مهرماه ۱۳۲۶ خورشیدی، با بستن پیمان زناشویی با خدابخش باستانی، تا لحظه مرگ و حتی سال‌های بعد از آن همراه وی بود. دولت گشتاسب، که بیشتر اله آبادی‌ها با لقب (یونه‌ل دموز) همسر دهمبود، وی را می‌نامیدند بنابر شناسنامه‌اش در سال ۱۳۰۲ به دنیا آمد. تاریخی که نمی‌توان به آن اعتمادی داشت. چرا که خواهر بزرگ‌ترش، خرمن، که با درگذشت مادر، در سن ۹ سالگی دولت، برای دیگران مادری می‌کرد، از لحاظ شناسنامه ای جوان تر بود.

از پیوند خدابخش مهربان باستانی و دولت گشتاسب جاماسبی، ۴ فرزند به دنیا آمدند. که بهار یکی از دختران در سن ۷ سالگی بر اثر بیماری درگذشت و پادش تا پایان عمر، همراه پدر و مادر بود. پریدخت، مهربان و بهروز فرزندان دیگرشان هستند که برایشان عمر طولانی و با برکت آرزومندیم.

دولت گشتاسب جاماسبی، همراه و همدوش دهمبود اله آباد، به کارهای کشاورزی چون درو، یا جوش درختان و مانند آن می‌پرداخت. علاوه بر این با پارچه بافی درآمدی برای خانواده تامین می‌کرد که با آن وسایل مورد نیاز چون بشقاب و کاسه مسی و مانند آن تهیه می‌شد.

علاوه بر این کارها که به مانند بیشتر زنان اله آباد به آن می پرداخت، در کارهای نگاه داری درمهر نیز فعال بود. بیشتر اهالی وی را مسئول رفت و روب و تمیزی درمهر می دانستند و کمتر کسی در این گونه کارها به وی کمک می کرد.

همسر دهمبود اله آباد، پس از درگذشت همسرش تا سال ۷۹ به طور مرتب به درمهر می‌رسید و خوراک آتش را می داد و تنها با ازدواج فرزندش و آغاز مریضی‌هایش، که رفت و آمدش به تهران بیشتر شد، این وظیفه کم کم بر دوش دیگران چون رستم شهریار خداداد، افتاد.

دولت گشتاسب جاماسبی، آدم بسیار خوش‌رو و دل جوانی بود. به طوری که دوست داشت تا در بیشتر آیین‌ها شرکت کند. به عنوان حتی در تولد که بیشتر برای بچه‌ها بود شرکت می‌کرد و یا در جشن‌های عروسی به خاطر حضور در شادی دیگران، حاضر می‌شد. وی بسیار دوستدار بچه‌ها بود و با آن‌ها به خوبی برخورد می‌کرد.

وی تا روز پایانی زندگی‌اش هوش و حواس خوبی داشت و به خوبی دیگران را می‌شناخت. دولت گشتاسب، آیین‌های سال و گاهان بار را به خوبی برگزار می‌کرد و در سال‌هایی هم که به علت بیماری و ساکن بودن فرزندانش به تهران آمده بود، به خاطر آیین سال همسرش و یا آیین‌های مشابه به اله آباد باز می‌گشت و این آیین را برگزار می‌کرد. وی به اله آباد دلبستگی عمیقی داشت و در تهران نیز که بود، همواره یاد اله آباد می‌کرد. وی در خردادماه امسال، ۱۳۹۲، درگذشت.





دهمبود اله آباد

کامبیز رستمی

یادداشت

راز ماندگاری ماهمدلی وهمراهی است. این موضوع در صدر کار انجمن قرارداشته و دارد و تا کنون توانسته است باعث پیشرفت هایی در روستا با این جمعیت کم شود. راز ماندگاری این محل تاکنون همدلی، حتی با تعداد محدود افراد این روستا بوده است. طبق آنچه که ما درتاریخ بر فراز ونشیب این محل می خوانیم، اجداد ما با توکل به اهورامزدا و همدلی و همراهی توانسته اند این روستا را چندین بار از نابودی کامل نجات دهند. ولی حالا چطور و تا کی می توانند با این تعداد محدود تاب بیاورند و این روستا را در مقابل این همه مشکلات حفظ کنند. اما می شود زمانی که همه همکیشان با همدلی و نه هم زبانی دست دردست همدیگر دهند و با انجمن همفکری و همکاری کنند.

انجمن هم با تعامل با ارگانهای ذیربط بتواند همیاری آنها را جذب کند. این خواسته هموندان انجمن و تعداد محدود افرادی است که بنا بر ایمان و اعتقاد و وابستگی که به زادگاه خود دارند دراین روستا مانده و کمر همت بسته وچشم به آینده ای دارند که در گرو همآوری همکیشان مخصوصا جوانان عزیز می باشد که چراغ این راه باشند و مشکلات را با صبر حل کنند.

همآوریم

نسیم اله آباد
خبرنامه داخلی انجمن
زرتشتیان اله آباد
مدیر مسئول: شاهرخ باستانی
سردبیر: کامبیز رستمی
صفحه آرا: رشید شهرت
همکاران: امید کاجیان

نسیم اله آباد

خبرنامه داخلی انجمن زرتشتیان اله آباد

شماره سوم، رویه چهارم

ویژه نامه بیستمین همایش همازوربیم اله آبادیها



اخبار اله آباد

از ۱۹ تا ۲۰ در اله آباد چه گذشت

همایشی که در حال برگزاری است، بیستمین همایش همازوربیم اله آباد است. گویی زمان چندان صبر ندارد. گویی نخستین همایش چندی پیش بود. به هر روی در مدت ۶ ماهی که از همایش پیش تا کنون سپری شده است، اتفاقات فراوانی در اله آباد روی داد که برخی از آنها به این شرح هستند:

۲۱ بهمن ماه، همزمان با برگزاری نوزدهمین همایش همازوربیم از کشاورزان نمونه اله آباد و آنانی که در این چند مدت رونق دوباره ای به کشاورزی بخشیده اند قدردانی شد. این همایش با حضور مقامات بخش زارچ و نماینده استانداری یزد و نماینده زرتشتیان برگزار شد و بخشی از مشکلات اله آباد به اطلاع آنان رسید.

۱۱ اسفندماه، روز درختکاری در اله آباد بود. گروهی از همکیشان روز آدینه خود را با سپری کردن در روستا به کاشت نهال های سرو پرداختند. علاوه بر این، برنامه های شادی نیز به این مناسبت در این روز برگزار شد.

۲۹ اسفند ماه، آیین گاهانبار خوانی در درمهر برگزار شد. در این گاهانبار که با نیک اندیشی مهربان اسفندیار باستانی برگزار شد، همکیشان به استقبال نوروز رفتند.

نوروز ۹۲، با استقبال گردشگران ایرانی از اله آباد همراه بود. در این روزها بسیاری از هموطنانمان که استان یزد را به عنوان مقصد گردشگری خود انتخاب کرده بودند، در اله آباد و زارچ ساکن شده بودند و از اماکن تاریخی زرتشتیان اله آباد چون درمهر و دخمه نیز بازدید کردند. در این مدت بسیاری از زرتشتیان اله آبادی نیز از تهران و دیگر شهرها به روستای قدیمی خود بازگشتند.

۵ فروردین ماه، نخستین برنامه انجمن اله آباد در سال جدید بود. برنامه پیاده روی از درمهر تا درمهر امسال به مانند سالهای گذشته از درمهر اله آباد آغاز شد ولی به درمهر نصرت آباد پایان یافت.

٦ فروردین ماه، آیین زادروز اشوزرتشت در اله آباد برگزار شد.آیین جشن خوانی نیز به نامگانه دولت رستم رستمی عصرآبادی، در درمهر برپا شد. همچنین با مشارکت همکیشان آیین شاباش برگزار شد.

۱۳ اردیبهشت ماه، مجمع عمومی انجمن زرتشتیان اله آباد برگزار شد. در این مجمع که در درمهر اله آباد و با حضور سرکار خانم میرزایی، نماینده فرمانداری یزد، برگزار شد، پس از ارایه گزارش فعالیت انجمن توسط شاهرخ باستانی و گزارش بازرس انجمن، مهربان خدابخش باستانی، تراز مالی منتهی به اسفند ۹۱ تایید شد. با برگزاری انتخابات نیز مهربان باستانی برای سال جدید نیز انتخاب شد و کوروش شهریاری به عنوان جانشین بازرس برگزیده شد. در پایان نیز چهره گاهانبار میدیوزرمگاه خوانده شد.

۲٤ خردادماه، با برگزاری انتخابات چهارمین دوره شوراهای شهر و روستا، رستم یزدانی به شورای اله آباد راه یافت. وی پیش از این احیای زمین های اله آباد را جزو برنامه های خود عنوان کرده است.

۱٤ تیرماه، همایش آرش و جشن تیرگان در اله آباد برگزار شد. در این همایش که کلیه همکیشان با نام آرش و کیارش می توانند در آن شرکت کنند، از حدود ساعت ۸ در خواجه خضر اله آباد آغاز شد و پس از صرف ناهار، با آبریزان و دیگر برنامه های شاد در درمهر و روستا پایان یافت.

چرا به حضور در همایش اله آباد ادامه دهیم؟

امید کاجیان

بی انصافی است اگر بگوییم که روستای اله آباد در این چند سال اخیر تغییری نکرده است و برگزاری همایش‌ها و دیگر مراسم در آن هیچ تأثیری در بهبود این مکان نداشته است. شاید نگاهی گذرا به ۱۰ سال پیش اله آباد با امروز بیش از هر چیز گواه بر این مطلب است که هم مردمان زاده این روستا دچار تغییراتی شده‌اند و هم خود اله آباد. در سال‌های اخیر بارها به بهانه های مختلف شاهد حضور جمعی از کسانی بودیم که کمتر در گذشته فرصت و یا شاید بهتر بگوییم انگیزه ای برای این داشتند تا در کنار هم بنشینند و ساعاتی را در کنار روستای اجدادیشان سر کنند.

برگزاری همایش‌ها و یا جشن‌ها در این روستا به شکلی جدید که پیش از این نبوده خود بالاترین انگیزه ای شد برای گردهم آمدن گروهی که نه تنها کمتر سراغی از اله آباد می‌گرفتند بلکه از مردمان زادگاهشان هم بی خبر بودند و حال باید به جرئت گفت که شاید نقش غیر قابل انکاری که حضور در این همایش‌ها داشت به وجود آوردن این انگیزه بود، انگیزه ای برای احوال پرسی از مردم اله آباد در روستایی که خیلی وقت پیش به فراموشی سپرده شده بود. این دور هم بودن‌ها اما جنبه های مثبت دیگری هم داشت نخست اینکه حضور در همایش‌هایی که در اله آباد برگزار شد این روستا را برخلاف آنچه که پیش از این تصور می‌شد روستایی زنده نشان داد که مردمانی دارد که هر از چند گاهی بخواهند به آن سر بزنند تا از این طریق کسانی که از خالی از سکنه بودن اله آباد در پی سود جستن بودن، با چالشی به نام حضور زرتشتیان اله آباد برای حفظ میراث آبا و اجدادیشان روبه رو شوند، از طرفی دیگر بستری مناسب فراهم آمد تا دید گاه های مختلف مردم در فضایی دوستانه مطرح و به شور و بررسی گذاشته شود.

در این سال‌ها علاوه بر این اله آباد توانست تا با رسانه ای شدنش در سایت‌های خبری زرتشتیان و یا نشریات درون جامعه ای صدای خود را بلند تر به گوش مسئولین جامعه‌اش برساند تا از این طریق بتواند توجهات آن‌ها و همین طور زرتشتیان سایر مناطق ایران را به خود جلب کند که این دستاورد کوچکی نیست. به گونه ای که انجمن زرتشتیان اله آباد و اله آبادی‌ها برخلاف روستای خالی از سکنه‌اش یکی از فعال‌ترین نهادها و گروه های جامعه شناخته می‌شوند که گاه و بی گاه دو رهم جمع می‌شوند و در کنار خلق لحظاتی خوش، برنامه‌هایی را هم برای بهبود وضعیت اله آباد ترتیب می‌دهند.

بی گمان یکی از تغییرات اساسی دیگری که در این چند سال رخ داد، وضعیتی بود که پیش از این کسی به آن فکر نمی‌کرد و گروهی آن را رویای فراموش شده می دانستند. اینکه بار دیگر زمین‌های خشک شده اله آباد محلی شود برای زراعت. اما این مهم نیز با آب کشی زمین‌های این روستا و البته همت مردمانش و مطمئنا مدیریتی مناسب، به تحقق پیوست. شاید صنعت کشاورزی در این روستا هم اکنون شرایط آرمانی نداشته باشد اما بی تردید باید گفت که روند روبه رشدی داشته که کمتر کسی انتظارش را داشت.

اکنون که شاهد رشد پویایی اله آباد در زنده کردن میراث کهنش هستیم بیش از هر چیز باید به این نکته ایمان بیاوریم که بخش عمده ای از دستاوردهای گفته شده همگی به واسطه این گردهمایی‌ها بوده و به همین دلیل است که باید به ادامه این روند امیدوار و همچنان برای حضور در همایش‌ها، جشن‌ها و خلق طوفان فکری در جلسات بهبود وضعیت، در اله آباد کوشا بود. تا در آینده حفظ این همبستگی و همازوری به فرزندانمان هم سرایت کند و همین طور شاهد رشد روستا در کشاورزی و یا حتی کارهای جدید مثل جذب توریست و یا شروع یک کار تجاری در آن باشیم.